

## رازی، آثارش و ویژگیهای طبی او

نویسنده: سیمین تعاونی<sup>۱</sup>

### خلاصه

ابوبکر محمد بن زکریای الرازی، طبیب کیمیاگر و فیلسوف نام آور شرق ملقب به جالینوس العرب که بین سالهای ۹۲۵-۸۶۵ میلادی می زیست، زادگاهش شهر ری بود. وی همانقدر که طبیب می بود فیلسوف و کیمیاگر نام آور شرق بود. رازی حداکثر ۳۵ سال طبابت کرد و میزان نوشتجات او بسیار زیاد است و این نشان می دهد که وی از هر دقیقه از وقت خود برای نوشتن استفاده می کرده است. وی اکتشافات بسیار ارزشمندی در شیمی تئوری انجام داده است که بعدها ارزش خارق العاده آنها معلوم شد و موجب گردید که این دانشمند برجسته، شهرتی جهانی و ابدی کسب کند و به عنوان یک شیمیست تراز اول به حساب آورده شود. وی در ابتدای جوانی به موسیقی عشق می ورزید و در این زمینه دائره المعارفی به نام فی جمال الموسیقی تألیف کرد. خودش نیز صدائی خوش داشت و عود را خوب می نواخت. وی در آن زمان زندگی خود را از راه صرافتی می گذرانید. رازی در حدود سی سالگی سفری به بغداد کرد و در آنجا وقایعی برایش پیش آمد و تجربیاتی اندوخت که مسیر زندگی اش را به کلی تغییر داد و باعث شد که وی به طب علاقمند گردد. مقاله فوق نگاهی بسیار گذرا به سرگذشت او، ابتکارات، ابداعات و ویژگیهای طبی او و آثار مهم و نحوه تدریس وی به دانشجویان پزشکی می باشد.

قدمه:

بکر محمد بن زکریای بن یحیی الرازی «کیمیاگر و فیلسوف نام آور شرق به جالینوس العرب در ۲۷ اوت سال میلادی (۲۵۱ هجری) در ری متولد شد او این دیگری که به او در کتب مختلف اص داده اند عبارتند از: فیلسوف، طبیب مارستانی، طبیب مسلمانان، در علوم یونانی (۶) در این مورد خلیلی می دارد که در تاریخ طب اسلامی نامانی چون رازی، طبری، اهوازی،

جرجانی، ابن سینا ذکر می شود که در حقیقت این دانشمندان، پزشکان ایرانی هستند که به دلیل تسلط عرب بر ایران کتابهای خود را به زبان عربی تدوین نمودند (۴).

از آغاز جوانی و تحقیقات رازی اطلاع دقیقی در دست نیست (۶). وی در ابتدای جوانی به موسیقی عشق می ورزید و در این زمینه دائره المعارفی به نام فی جمال الموسیقی تألیف کرد. خودش نیز صدائی

خوش داشت و عود را خوب می نواخت. در آن زمان وی زندگی خود را از صرافتی می گذرانید (۱). برخی نیز گفته اند که در عنفوان شباب زرگری می کرده است. علاقه وی علم کیمیاگری جهت این بود که بتواند گوهر فلزات را دگرگون سازد و در نتیجه ممارست در این فن و نزدیکی به آتش و بوهای تند چشم او در معرض عوارض واقع گردید. او به معالجه و مداوا و سپس اشتغال به طب کشانیده شد. می گویند او

بزرگداشت

۷۵

شماره ۳۸

برای اینکه درد چشم خود را درمان کند به نزد کحالی (چشم پزشکی) رفت. کحالی برای درمان او پانصد دینار از او درخواست کرد و او ناچار شد پردازد، سپس با خود گفت: کیمیای واقعی علم طب است، نه آنکه بدان مشغولی و پس از آن از علم کیمیا دوری و به علم طب پرداخت (۶) و لیکن اولمان (Olman) چنین ذکر می کند که رازی در حدود سی سالگی سفری به بغداد کرد و در آنجا وقایعی برایش پیش آمد و تجربیاتی اندوخت که مسیر زندگی را به کلی تغییر داد، به این ترتیب که صرفاً از روی کنجکاو به دیدن بیمارستان مقتدریه رفت. پس از گفتگو با داروساز پیر آنجا به این علم سخت علاقمند گردید و آنرا فوق العاده جالب یافت و روز بعد باز به آنجا رفت و اتفاقاً به پزشکی برخورد کرد که چنین انسان دوسری را که همان ساعت بدنیا آمده بود به او نشان داد. پس از آن وی تصمیم قاطع گرفت تا برای خود به مطالعه پزشکی پردازد و این علم را تا آنجا که امکان دارد فراگیرد. به احتمال قوی رازی مدتی در بغداد ماند و تصمیم خود را دنبال کرد و مقامی والا در رشته طب پیدا کرد، ولی عقیده عمومی بر این است که او درس پزشکی را به صورت جدی در ری نزد علی بن سهل طبری فرا گرفت. لیکن به عقیده ماکس میرهوف (Max Mayerhof) بعید به نظر می رسد، چون در آن زمان طبری ۷۵ ساله بوده است (۱). پرفسور براون (Edward Brown) عقیده دارد که رازی در جوانی ریاضیات و کیمیاگری آموخته و در سنین بالا به تحصیل پزشکی پرداخته است. ابن خلکان می نویسد، زمانیکه رازی تحصیل پزشکی را شروع کرد حدود چهل سال داشته است (۴). برخی تصریح کرده اند که او پس از چهل

سالگی بر ممارست کتب پزشکی و فلسفی روی آورده است و شاید به همین علت بوده است که او فراتر از توانائی خود در راه تحصیل علم کوشیده و در طی مدارج علمی رنج برده است. در آن زمان وی استاد مسلم موسیقی، شیمی، زمین شناسی، فلسفه و طب محسوب می گردید. یکی از همشهریان رازی نقل می کند که او هیچگاه از کاغذ و قلم جدانمی گشته و همیشه در حال نوشتن بوده است و نیز گفته شده است که از فرط علم دوستی چراغدانی بر روی دیوار می نهاد و کتاب خود را بر آن دیوار تکیه می داد و به خواندن می پرداخت تا اگر خواب او را در رباید کتاب از دستش بیفتد و بیدار شود و به مطالعه خود ادامه دهد.

رازی برای کسب علوم پزشکی و فلسفی به بغداد که در آن روزگار مرکز علم و دانش و قرارگاه ادیبان و فاضلان بود رفت. مترجمان زبردست آثار علمی یونانی را به سریانی و عربی ترجمه کرده بودند و بدین جهت منابع فراوانی وجود داشت تا مورد استفاده علمی رازی قرار گیرد و از جهتی دیگر بیمارستانهای مختلف که از زمان هارون و برامکه تأسیس شده بود، همچنین بیمارستانی که پدر غلام معتضد در قرن سوم ایجاد کرده بود مجال فراوانی می داد تا دانشجویان پزشکی علم را به عمل و قیاس را به تجربه نزدیکی سازند و از طرف دستگاه خلیفه مبلغ قابل ملاحظه ای برای رؤسای پزشکان و ملازمان آنان و همچنین تهیه دارو اختصاص داده شده بود. محتمل است که رازی این بیمارستان را اداره می کرده است (۶). اولمان چنین اظهار میدارد که رازی یک مدتی، بر چند بیمارستان ایرانی و عرب در ری و بغداد ریاست کرد، سپس عازم سیر و سیاحت شد و گردش کنان به دربار

امیر سامانی کرمانی و خراسان. ابوصالح منصور بن اسحق رسید و در آنجا اقامت کرد و کتاب المنصوری را که از ده بخش آن کتاب نهم بعدها در غرب شهرت ویژه ای یافت به وی اهداء کرد (۲). منصور مذکور در سنه ۲۹۰ هجری از جانب پسر عم خود اسماعیل بن احمد بن اسد، دومین پادشاه سامانیان به حکومت ری منصوب گردید و تا شش سال در آن محل بماند و ظاهرأ در همین مدت حکومت وی، رازی در ری اقامت داشت. نجم آبادی ذکر می کند که، کتاب هفتم منصور که در باب جراحی عمومی و کتاب نهم آن که مربوط به علم الامراض (امراض عمومی) است، برای اروپائیان بسیار قابل توجه بوده است. این کتاب مدتها در دانشگاههای ایتالیا تدریس شده است و بر آن شرح نوشته اند. این کتاب قرین ۵ قرن پس از رازی برای تربیت طبیب بکار برده شده است (۷). رازی در بین سالهای ۹۰۷-۹۰۲ میلادی دوباره به بغداد مراجعت کرد و رئیس بیمارستان مقتدریه شد. دیری نگذشت که شهرت رازی از مرزها گذشت و سیل تقاضا برای رفتن او بر بالین امرا، حکام و بزرگان بیماری که اطباء از درمان بیماریشان عاجز مانده بودند، به بغداد و بیمارستان مقتدریه سرازیر شد. وی به علت ایرانی بودن و عشق شدید نسبت به هموطنانش پیوسته به تقاضاهایی که از جانب شاهزادگان و بزرگان ایرانی بود، جواب مثبت می داد و بیماری آنها را درمان می کرد و بسیاری از کتب خود را به نام آنها نمود. رازی حداکثر ۳۵ سال طبابت کرد و میزان نوشتجات او بسیار زیاد است و این نشان می دهد که وی از هر دقیقه از وقت خود برای نوشتن استفاده می کرده است. وی اکتشافات بسیار ارزشمندی در شیمی

وری انجام داده است که بعدها ارزش اراق العاده آنها معلوم شد و موجب گردید، این دانشمند برجسته شهرتی جهانی و بی کسب کند و به عنوان شیمیست تراز ل محسوب شود. وی اولین کسی است، از جیوه به عنوان یک ماده پلشت بر استفاده کرده است و همچنین استفاده از فیداب سرب را در شیمی مرسوم ساخت. بعدها در اروپای قرون وسطی به نام لوح زی معروف گردید. وی چندین نوع ماده ای شستشوی چشم ساخت که به نام ویه های رازی در اروپای قرون وسطی روف گردید و برای اولین بار از روده یوانات جهت بخیه زدن جراحی استفاده د و اولین کسی است که متوجه عکس مل چشم در مقابل تغییرات نور گردید و 'خره شاید از همه مهمتر ساختن الکل ت که باید در رأس کارهای نبوغ آسای او ار داده شود (۱). نجم آبادی علاوه بر ف الکل، کشف جوهر گوگرد را نیز سوب به رازی ذکر می کند (۵). مطالب زوه کوچک رازی تحت عنوان (عاداتی سرشت می کردند)، بنیان نظریه ینگتون (Sherington) در مورد عکس مهای شرطی محسوب می گردد. بعلاوه وه ای هم درباره بیماریهای اطفال دارد که نوع خود یک کار صددرصد ابتکاری ت و به همین دلیل او را باید پدر طب اطفال ست. وقتی درباره رازی صحبت می شود شک از کارهای ارزشمند او در زمینه دواری سرخک و آبله نیز نام برده می شود. یاری از مورخین پزشکی عقیده دارند که ی اولین کسی است که تشخیص داداری سرخک و آبله یکی نیستند (۱). رازی ین طبیعی است که از حساسیت صحبت ده است و می گوید بعضی افراد هستند در فصل بهار مبتلا به زکام می شوند و

زکام آنها خیلی طولانی می شود. در صورتی که زکام عادی یک هفته بیشتر طول نمی کشد. همچنین وی اولین طبیعی است که سل مفصل انگشتان را شناخته و ایضاً مورد استعمال پنبه را در طب در کتاب آبله و سرخک آورده است. وی در باب سنگ مثانه و کلیه کتابی دارد که در آن شرح بسیار جامع درباره این بیماری آورده است که مورد توجه تمام مورخان طب است (۵). تعداد مولفات و مصنفات رازی ۲۷۱ ذکر شده است (۷).

به نظر الگود (Elgod) در رشته پزشکی می توان او را از بزرگترین اطباء جهان اسلام بشمار آورد. کتاب معروف او در این رشته حاوی نام دارد که از نسخه اصلی این کتاب اطلاعی در دست نیست ولی ترجمه لاتین آن که توسط فرج بن سالم در سال ۱۲۹۷ میلادی برای شارل پادشاه آنژو صورت گرفته، برای ما باقیمانده است (۱). خلیلی ذکر می کند که از دو نسخه خطی یکی در کتابخانه اسکوریا در اسپانیا وجود دارد و در سال ۱۵۲۹ میلادی، الحاوی در ایتالیا به لاتین ترجمه شد. از ترجمه های مختلف دیگر آن به زبانهای گوناگون در بسیاری از کتابخانه های جهان وجود دارد (۴). این کتاب نقش بسیار مهمی در پیشرفت علمی پزشکی در جهان داشته است تا جایی که شاید قانون ابن سینا را نیز نتوان با آن مقایسه کرد. این کتاب بیشتر به صورت یادداشت های روزانه رازی در امور پزشکی بوده است. علی ابن عباس اهوازی در کتاب کامل - الصنعاة خود درباره کتاب الحاوی رازی چنین می نویسد: در این کتاب موضوعات مختلف از قبیل بهداشت، درمان های داروئی و غذائی، بیماریهای مختلف، نشانه ها و عوارض بیماری ها و دیگر موضوعات طبی مورد بحث قرار گرفته است (۱). بیماری های مورد بحث، شامل

بیماریهای سر، چشم، گوش و حلق و بینی، دندانها و لثه، معده و مری، کبد، قلب، پستان، رحم، شکستگی ها و در رفتگی ها است. در واقع حاوی دایره المعارفی است طبی از آنچه تا زمان تدوین کتاب وجود داشته و کلیه پژوهش های تدوین کننده را هم در بر گرفته است (۴). نویسنده برای دانشجویان رشته پزشکی هیچ مطلبی را در زمینه درمان انواع بیماری ها ناگفته نگذاشته است. مرتب نوشته شدن مطالب این کتاب به دو دلیل است: یکی اینکه رازی اصلاً منظورش تحریر کتاب نبوده و فقط مطالبی را برای خود یادداشت می کرده است تا اگر روزی به علت پیری به فراموشی مبتلا شد بتواند به آنها مراجعه کند و یا از آن بیم داشته است که کتابش آنچنان قطور شود که به هیچ کاری نیاید و کسی را یاری مراجعه به آن نباشد. از سوی دیگر رازی به علت مشغله فراوان هرگز فرصت آنرا نداشت که زیاد چیزی بنویسد و عقب اندازی های مکرر باعث شد که تا واپسین روزهای عمر نتواند مطالب حاوی را تکمیل کند. پس از وفات رازی این یادداشت ها توسط خواهرش به مبلغ گزاف به ابن العمید وزیر رکن الدوله فروخته شد و وی عده ای از شاگردان رازی و گروهی از بهترین اطباء ری را مأمور ساخت تا این نوشتجات را مرتب کنند. فعالیت این عده سرانجام به صورت کتابی شد که ابتدا نام کتاب الحاوی فن الطب بر آن نهاده شد (۱). این کتاب را جامع الکبیر یا جامع الخاص در طب نیز می نامند. در اروپا این کتاب به کانتیننز (Continens) معروف است (۸). این اثر بس عظیم و مفصل، شامل ۲۳ جلد قطور می باشد که به ادبیات پزشکی بعدی اعراب تأثیر پایداری بخشید (۲). کتب رازی و ابن سینا بدون اغراق در بین سایر کتابها چون خورشیدهای تابانی بودند که به

اروپا راه یافتند که پس از چندی عملاً تنها کتبی شدند که در مراکز علمی از آنها استفاده به عمل می آمد. این کتب موجب شدند که توجه مراکز علمی و هنری اروپا پس از گذشت پنج قرن یکبار دیگر به سوی ایران معطوف گردد و این کشور بتواند مجدداً مقام شایسته خود را در جهان علم به دست بیاورد. سال ۱۲۸۲ آغاز روتق بهره برداری از آثار فارسی و اسلامی در اروپا است و از آن پس بزرگترین دانشکده های اروپا بخصوص دانشگاه مونپولیه (Monpellier) و دانشگاه بلونیا (Bologna) از کتب رازی و ابن سینا برای تدریس در دانشکده طب استفاده می کردند و اصولاً معیار سنجش و قضاوت درباره اهمیت دانشکده های طب اروپا این بود که تا چه میزان کتب این دو دانشمند را تدریس می کنند. از این دو مرکز، دانش و فرهنگ ایران و اسلام به تمام مراکز علمی اروپا رسوخ پیدا کرد و چون در آن عهد هیچ

نوع رقیبی برای آن وجود نداشت، به زودی آن را در تسخیر خود آورد به طوری که بین قرن ۱۷-۱۲ میلادی کتب رازی و ابن سینا تقریباً تنها کتب طبی بودند که در تمام دانشگاههای طبی اروپا تدریس می شدند. دانشکده طب مونپولیه تا سال ۱۵۵۸ و در دو دانشکده، طب بروکسل این کتب حتی تا سال ۱۹۰۹ تدریس می گردیدند (۱). از برخی منابع بدست می آید که رازی در پایان عمر به ری آمده و دانشجویان فراوانی از محضر درسی او استفاده می کرده اند (۶). مجلس وی برای تعلیم پزشکی معروف و مشهور است. او در مجلس خود می نشست و شاگردان وی نیز نزد او و شاگردان این شاگردان نیز نزد آنها و شاگردان آخر نیز به نوبه خود نزد آنها می نشستند. بیمار تازه وارد ابتدا شرح حال خود را به شاگردی که در جنب درب مدرس بود می گفت و او حرفهای بیمار را گوش می داد.

اگر از تشخیص عاجز می ماند به شاگرد بالاتر، به همین نحو تا حضور استاد برسد. رازی پس از معاینه بیمار و سؤالات از وی تشخیص بیماری را می داده و سپس به شرح بیماری و اقسام آن و ایضاً توضیحات نظری و بالینی می پرداخت (۸).

می گویند رازی چشمانش در پایان عمر آب آورد و یکی از شاگردان او از طبرستان برای معالجه او آمد و از او درباره معالجه وی سؤال کرد و رخصت خواست وی در پاسخ گفت این امر، بر رنج و درد من می افزاید، شاید عمر من به پایان رسیده و مرگ من نزدیک شده باشد (۶). سرانجام وی در سال ۹۲۵ میلادی وفات یافت (۲).

وی برخلاف عده ای از پزشکان، صاحب مال و منال نبود و به تمام معنا طبیب خلق خدا بوده است (۵).

امید آنکه روزی بتوانیم گامی کوچک پیرو خط این دانشمند و حکیم بزرگ ایرانی برداریم.

منابع:

۱- الگود، سیریل: تاریخ پزشکی ایران، ترجمه: جلویان، محسن. تهران: انتشارات اقبال. ۲۹۶-۲۸۴، ۳۰۵-۳۰۲. ۱۳۵۲.  
 ۲- لولمان، مالفرد: طب اسلامی در قرن نهم میلادی. ترجمه: طبری پورسید علی. مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی. ۸۰۲، ۸۰۹-۸۰۲. ۱۳۷۶.  
 ۳- خلیلی، محمد: تاریخ و اخلاق پزشکی. مجتمع آموزش پزشکی دانشکده پزشکی. ۷۲-۷۳، ۷۲-۸۰، ۷۹-۱۳۵۵.  
 ۴- مجموعه مقالات کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران. جلد دوم، انتشارات مؤسسه توسعه و دانش و پژوهش در ایران. شهر یور. ۹۶۹-۹۷۱، ۹۶۹-۱۳۷۵.  
 ۵- محقق، مهدی: فیلسوف ری. محمد بن زکریای رازی. ترجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۷۶.  
 ۶- نجم آبادی، محمود: مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی. حکیم و طبیب بزرگ ایرانی. تهران: چاپخانه دانشگاه. ۴۹، ۴۵، ۱۰۹، ۱۳۳۹.  
 ۷- نیویل، دیوید. کفن، روبرت: روشهای نوین در آموزش پزشکی و علوم وابسته، ترجمه: محمودی سید محسن. انتشارات علمی و فرهنگی. ۲۹-۲۸، ۱۳۷۶.

